

توهین به یک کارگر توهین به کل طبقه کارگر است

جمعی از کارگران اخراجی

سه شنبه ۲۰ اسفند ۱۳۸۷

زمانی که اکثریت طبقه کارگر زیر خط فقر زندگی می‌کند نمی‌تواند افزایش دستمزد مساله کارگرانش نباشد. اما به خاطر جو پلیسی حاکم بر کارخانه ها و کارگاهها، و نیروی عظیم کارگران بیکار شرایطی به وجود آمده است که حتی از کارگران تعهد گرفته می‌شود که نسبت به کمی دستمزد اعتراضی نداشته باشند. بدین خاطر بسیاری از روشندگان نیروی کار (چه کارگران یدی و ذهنی) برای سیر کردن شکم خود و زن و فرزندانشان مجبورند، تن به اضافه کاری بدهند، و چند نوبت (شیفت) کار کنند. اما کمتر شاهد یک حرکت اعتراضی عملی چشمگیر کارگری بوده ایم، هر چند بحث کمی دستمزد زبان کلیه کارگران بوده و در هر فرصتی پیش بیاید کارگران به آن می‌پردازند. به ویژه در ماه های آخر سال مخصوصا اسفند ماه گفتگوها در خصوص افزایش دستمزد بالا می‌گیرند و به شکل علنی به این موضوع پرداخته می‌شود. اطلاعاتیهایی در این خصوص نوشته می‌شود که بعضا تحلیلی هم بودند. اما جز مواردی چند حضور جنبش اجتماعی طبقه کارگر غایب بوده است نیرویی که می‌توانست دولت و سرمایه‌داران را وادار کند که به افزایش دستمزدها گردن گذارد. در این اوضاع و احوال هیات سه نفره (اداره‌کار) هم چند درصدی به دستمزد کارگران می‌افزودند. بدون آن‌که به خواست و مطالبات کارگران توجه‌ای داشته باشد کارگران طی این سال‌ها به تجربه دریافته بودند که اداره‌کار معجزه نمی‌کند. با آتش این اداره نه آبی گرم می‌شود و نه رونقی در معیشت کارگران به وجود می‌آید. دست اداره‌کارو هیات سه نفره برای کارگران روشده است. کارگران دریافته‌اند که اداره‌کار جاده صاف‌کن سرمایه‌داران است که با ارائه بهترین راهکارها، زمینه را برای بهره‌کشی از نیروی کار ارزان فراهم می‌کنند. به‌واقع انتظاری جز این از عوامل سرمایه به بیراه رفتن است. به عینه شاهد بودیم در کلیه مواردی که بین کارگران و سرمایه‌داران چالش به‌وجود می‌آید، اداره‌کار، مجلس و دیگر موسسات دولتی از سرمایه‌داران دفاع می‌کنند. و آنجا هم که کاربه ایستادگی و مقاومت کارگران می‌انجامد نیروهای ضدشورش سر می‌رسند و آن می‌کنند که با کارگران هفت تپه، فرش البرز و... این‌ها نمونه‌ای از صدها اعتراضات کارگری است که مورد حمله واقع شده‌اند.

موردی دیده نشده است که در این جدال‌ها از مطالبات کارگری دفاع کرده باشند. اگر جز این انجام می‌گرفت تعجب‌آور بود. چاقو دسته خود را نمی‌برد.

جنبش اعتراضی بخش‌هایی از طبقه کارگر در سال ۸۷

گذشته از جنبش کارگران حقوق معوقه و معلمان که در این سال‌های اخیر با اشکال مختلف معترض بوده‌اند و صحنه‌هایی برای گرفتن مطالبات خود و درگیر شدن با سرمایه آفریده‌اند، که برای طبقه کارگر غرور آفرین است و از سویی دیگر این اعتراضات کارگری که سرمایه‌داران داخلی و سرمایه‌داری جهانی را بر آن داشته است که برای

مقابله با این جنبش چاره‌اندیشی کنند. اگر در سال‌های ۵۸ و ۵۹ شوراها برای مقابله با جنبش کارگری کارساز بود اما با افشا شدن این تشکل ضد کارگری در صددند تا تشکل ضد کارگری دیگری را برای مقابله با این جنبش که هر روز بر ابعاد آن افزوده می‌شود علم کنند.

به دلایلی که در فوق به آن اشاره شد، کارگران شاغل کمتر اعتراضات گسترده‌ای به نمایش گذاشتند. یا به سخن دیگر اعتراضات به صورت یک حرکت عملی برای مقابله با کمی دستمزد به صحنه نیامد. در نیمه تیر ماه امسال اعتصاب غذای کارگران ایران‌خودرو در پی اعلامیه‌ای مشخصا در اعتراض به کمی دستمزد و اضافه‌کاری اجباری در چند نوبت کاری (شیفت) با شرکت ده هزار نفر از کارگران به وقوع پیوست. مدیران و حراست ایران‌خودرو که انتظار چنین حرکت گسترده‌ای را نداشتند سراسیمه کرد، و برای جلوگیری از کشیده‌شدن اعتصاب غذا به اعتصاب در تولید به عناوین مختلف از تهدید ارباب گرفته تا دادن وعده و وعید از هیچ کوششی فروگذار نکردند. حتی مدیران گفتند ما در صدد هستیم برای رفاه بیشتر کارگران اقداماتی انجام دهیم این موضوع در "کارآمد" نشریه ایران‌خودرو هم آمده است و یکی دو ماه اضافه‌کاری اجباری لغو شد اما مجدد به روال قبل از اعتصاب غذا برگشت.

در دیماه امسال کارگران بازنشسته نوب‌آهن در اعتراض به کمی مستمری‌ها اتوبان نوب اصفهان را با شرکت دو هزار کارگر بازنشسته بیش از دو ساعت بستند، که با دادن قول مساعد به برآوردن خواست کارگران به اعتراض خود پایان دادند. این نیز صحنه دیگری از قدرت‌نمایی طبقه کارگر در سال جاری بود.

معلم‌ان نیز که راهپیمایی آن‌ها در میدان بهارستان در سال ۸۶ فراموش ناشدنی است، در سال جاری روز پنج اسفند را روز اعتصاب اعلام کردند اما روز ۴ اسفند کانون معلم‌ان اعتصاب (ترفتن سرکلاس درس) را لغو کرد. با وجود این، بدنه این بخش از مزدبگیران (معلم‌ان) در چند ناحیه تهران و چندین استان مدارس را تعطیل کردند.

از روز دهم اسفند کارگران نوب در اعتراض به کمی دستمزد، اعتصاب غذا کردند. کارگران نوب‌آهنی که به تازگی ۱۰٪ به دستمزدهای‌شان تحت عنوان حق جذب اضافه شده است این درحالی است که کارگران خواهان افزایش پنجاه درصدی هستند و بدین دلیل ۴۵۰۰ نفر کارگر اعتصابی نوب‌آهن خواهان گرفتن ۴۰٪ بقیه افزایش دستمزد خود هستند.

هرسال چند درصدی به دستمزد کارگران افزوده می‌شود. امسال از یکی دو ماه پیش زمزمه می‌شود که افزایش دستمزدها انجام نگیرد مشخصا جهرمی، وزیر کار، به این موضوع بارها اشاره کردند. برای افزایش دستمزد نه اطلاعیه و نه گفتگو اثر گذار نبوده است. آنچه می‌تواند صاحبان سرمایه را به افزایش دستمزد وادار کند. حضور عملی کارگران در اعتراضات کارگری است.

این حرکت‌ها امسال به‌عنوان تک‌جوش‌هایی در جنبش کارگری شروع شده است و زمانی می‌تواند کارساز باشد که بین حلقه‌های جنبش کارگری اتحاد و همبستگی به‌وجود آید. سال‌هاست کارگران با چند نوبت کاری زیر خط فقر زندگی می‌کنند. جو اختناق و سرکوب شرایطی به‌وجود آورده‌اند که ما کارگران به چند شیفت کار کردن یا بعد از بازنشستگی کارکردن عادت‌مان داده‌اند، وگرنه با یک حساب سرانگشتی اگر پایه‌حقوق که حدودا دویست هزار تومان است پنج برابر هم شود باز با خط فقر فاصله دارد.

برای افزایش دستمزد یک حرکت اجتماعی عملی در اتحاد با دیگر بخش‌های کارگری را طلب می‌کند. همان‌طوری که در بالا اشاره شد امسال حرکت‌هایی در این جهت شروع شده است که به چند مورد آن اشاره شد. حرکتی از این دست زیاد است، مثلاً تجمع معلمان بازنشسته در ۱۴ اسفند در جلومجلس از آن جمله است. درزیربه یکی از اعتصاب‌های کارگری که در نوع خود نسبت به اعتصاب‌های فوق متشکل‌تر است می‌پردازیم:

کارگران لاستیک دنا چندین بار اعتصاب و تجمع داشته‌اند. مطالبات این کارگران: پرداخت سه دوره کارانه مربوط به سال‌های پیش و سال جاری پاداش سال ۸۶، حقوق بهمن و اسفند بن کارگری بن‌اهدایی و غیره است و چندین بار اعتصاب و تجمع برای گرفتن مطالبات فوق داشته‌اند. در چند روز پیش ۱۶ نفر از کارگران این شرکت را تهدید به اخراج کرده‌اند. در این رابطه بیانیه‌ای از طرف کارگران در جمع کارگران خوانده می‌شود که بخش‌هایی از آن را از روزنامه "کار و کارگر" در زیر نقل می‌کنیم:

"... در صورت برخورد با احدی از همکاران سکوت ننماییم چنان‌چه برخورد قهرآمیز با هر کدام از ما اعم از اخراج کسر حقوق و مزایا و یا توهینی صورت پذیرد این اقدام را علیه کل جمع کارگری دنا تلقی کرده و همگی هم‌قسم می‌شویم با برخوردکننده قاطعانه و شدیداً مقابله کنیم... معتقدیم مشکلاتی که سال‌هاست گریبانگیر ما شده و حقوق ما را می‌فشارد، و گوشه‌ای از معیشت و روزی زن و فرزند ما را از بین برده است، ناشی از مشکلات ریشه‌ای مالکیت‌های سودجو و فاقد صلاحیتی است که سال‌ها در دنا حاکم بوده...." (کار و کارگر ۸۷/۱۲/۱۳)

همبستگی و اتحاد کارگران دنا پس از چند بار تجمع و اعتصاب به اینجاریسیده است که توهین به هر کارگری را توهین به کلیه کارگران دنا می‌دانند. و اگر صاحبان سرمایه و یا دیگر عوامل سرمایه از داخل و یا خارج کارخانه عملی بر علیه کارگران انجام دهند با آن‌ها "شدیداً مقابله" خواهند کرد. این در حالی است که مدیر اداره‌کار بر این عقیده است که در تشکیل جلسه دیگری ضروری است. به قول یکی از کارگران اداره‌کاری‌ها همیشه در صدد هستند در همبستگی کارگران و مقاومت کارگران تزلزل ایجاد کنند. از کارگران می‌خواهند فعلاً به سر بروید. در جلسه‌ای با حضور کارگران و مسئولین کارخانه مطالبات کارگری بررسی می‌شود. رئیس اداره‌کار جز شکستن اعتصاب کارگران منظور دیگری ندارد.

اگر کمی در مناسبات کار و سرمایه تعمق کنیم، توهین به کارگری از کارگران دنا توهین به کارگران ذوب‌آهن که در حال اعتصاب غذا هستند نیز هست. آیا تهدید به اخراج کارگران دنا زمینه‌ساز اخراج کارگران دیگری چون کارگران ایران‌خودرو و یا سایپا شرکت نفت و یا کارگاهی که در فلان شهرک دور افتاده نیز هست نمی‌شود. کارگران هر بخش به‌مثابه حلقه‌ای از یک زنجیر هستند که هر کدام از این حلقه‌ها مورد ضرب و تهدید قرار گیرد، کلیه حلقه‌های زنجیر جنبش کارگری مورد تهدید قرار می‌گیرد. با نگاه همه‌جانبه به رابطه کار و سرمایه باید بگوییم توهین به هر کارگر توهین به کل طبقه کارگر است. کارگران دنا ریشه تمام این فلاکت‌ها و فشارها را ناشی از سرمایه سودجو "مالکیت سودجو"، در شرکت دنا می‌دانند. باید به هم طبقه ایمان در شرکت دنا بگوییم. در شرکت‌های دیگر هم اگر نیک بنگریم معضلات و بدبختی‌ها ناشی از سودجویی سرمایه‌داران است. سرمایه محصول نیروی کارمان است که خودش را در ابزار و اشیاء متجلی کرده است. و اصولاً سرمایه‌دار هدفش از تولید، تولید (سود) ارزش اضافی است. سود سرمایه‌دار محصول نیروی کار ما کارگران است. سرمایه‌دار بخشی از ارزشی را

که تولید می‌کنیم به ما کارگران می‌دهد که صرف معیشت خود و زن و فرزندانمان می‌شود. و بخش بیشتر آن را با نام سود (ارزش اضافی) به خود اختصاص می‌دهد. و از طریق همین بهره‌کشی از نیروی کار میلیاردها دلار انباشت سرمایه جهانی است. در صورتی بخشی از انسان‌ها از گرسنگی جان می‌سپارند و شرایط ما کارگران در ایران و کشورهای چو ما از کارگران دیگر کشورهای جهان سرمایه بدتر است. این در حالی‌ست بیشترین ارزش اضافی (سود بیشتر) در میان کشورهای جهان برای صاحبان سرمایه تولید می‌کنیم، کمترین دستمزد را داریم برای افزایش دستمزدها همبستگی و اتحاد بین کارگران شاغل، بیکار، اخراجی، حقوق معوقه‌ها را طلب می‌کند. هم اکنون کارگران شرکت دنا، نوب‌آهن... برای بالابردن دستمزدها گرفتن مطالبات معوقه مبارزه می‌کنند. حمایت این بخش‌های کارگری حمایت از خواست‌ها و مطالبات خودمان نیز هست.

جمعی از کارگران اخراجی

۱۳۸۷/۱۲/۲۰